

ازدواج در کودکی، پوششی برای خرید و فروش کودکان

گفتگو ماهرخ غلامحسین پور با حسین رئیسی، حقوقدان و وکیل دادگستری

روزانه و زیر نبض شهر، کودکان و نوزادان بسیاری توسط والدینشان آشکارا خرید و فروش و معامله می‌شوند، کودکانی که به خاطر فقر مالی مابین 500 هزار تومان تا 10 میلیون تومان دست به دست می‌شوند، اگر چند ساعتی اطراف بیمارستان‌های بزرگ دولتی بچرخیم، با دلال‌ها و واسطه‌هایی مواجه می‌شوی که در کار خرید و فروش نوزادانند. نوزادانی که عمدتاً به علت فقر شدید مالی به خانواده‌های بدون فرزند یا باندهای سازمان یافته واگذار می‌شوند تا از آنها برای مقاصد مختلف، از تکدی‌گری گرفته و یا استثمار بدنی و جنسی، بهره‌کشی کنند. اما معامله کودکان در ایران اشکال پنهان و قانونی دیگری هم دارد.

«حسین رئیسی وکیل دادگستری و کنشگر اجتماعی در این گفتگو به سوالات حقوقی خانه امن پاسخ می‌دهد.

آیا به لحاظ حقوقی می‌شود ازدواج کودکان را خرید و فروش یا معامله دانست؟

چنین صراحتی ممکن نیست. عنوان این کار را خرید و فروش و معامله کودک نمی‌نامند. اما در ساختار حقوقی کنونی متأثر از فقه اسلامی چون شرع به پدر اجازه می‌دهد که کودکش را در هر سنی به عقد ازدواج هر کسی که مایل باشد در بیاورد، به نوعی امکان معامله آن را فراهم کرده است. در مقابل این ایراد گفته می‌شود شرع اسلام گفته است که این نوع ازدواج‌ها حتماً برای بهره‌برداری جنسی نیست. ولو چنین باشد که قوانین شرعی می‌گویند بعد از اینکه کودک به ازدواج مردی درآمد، نباید ارتباط جنسی با کودک برقرار شود تا زمانی که او به لحاظ فیزیکی، به سن آمادگی رابطه جنسی برسد. اما سوال اینجاست که چه کسی این مسئله را مراعات می‌کند؟ کسی که حاضر به ازدواج با کودکی به خاطر فقر می‌شود، چطور به لحاظ اخلاقی خودش را ملزم به مراعات این مسئله می‌داند؟ طبیعی است که در چنین شرایطی از کودک سوءاستفاده می‌شود. فرض کنیم فردی متعهد بود که ارتباط جنسی برقرار ننماید آیا صورت مسئله که تایید بردگی کودکان است تغییر می‌کند! طبیعی است که بایستی با کنار گذاشتن و ممنوع کردن ازدواج زیر سن ۸۱ سالگی، راه را بر هر نوع سوءاستفاده‌ای بست.

راه حل ایجاد ممانعت برای ازدواج کودکان چیست؟

چنانچه گفتم با ممنوع کردن ازدواج کودکان کمتر از ۸۱ سال و تعیین مجازات برای آن از یک طرف و از سوی دیگر رهایی از سنت‌های مذهبی ممکن است. اما همه این اتفاقات بدون آموزش جامعه و اجرای موازین حقوق بشر در باره کودکان با تضمین عدالت اجتماعی فراهم نخواهد شد. این مسئله اراده اجرایی می‌خواهد، یعنی اراده رهایی از مقررات سنتی مذهبی. در جامعه‌ای که عمده تعهد دولت، اجرای برداشت سنتی از فقه اسلامی است و قوانین آن بر همین اساس از تصویب مجلس و تایید شورای نگهبان می‌گذرد. فردی که دختر ۸ ساله‌اش را به عنوان ازدواج به جای بدهی‌اش به دیگری می‌دهد، کسی نمی‌تواند به او ایراد بگیرد. پدر برابر ماده ۵۰۵ قانون حمایت خانواده جدید در ایران و موازین شرعی می‌تواند این کار را انجام دهد و فقط در صورتی مورد مواخذه قرار می‌گیرد که دختر در این ازدواج به سبب رابطه جنسی بمیرد یا به لحاظ فیزیکی آسیب ببیند.

یعنی بعد از برقراری رابطه جنسی و وقتی که کار از کار گذشت؟

بله. دقیقاً وقتی که رابطه جنسی برقرار شد و کودک آسیب دید یا اگر قبل از آن پدر برای ازدواج کودک از دادگاه اجازه نگرفته باشد، می‌توان او را مورد تعقیب کیفری قرار داد. قانون‌گذار باید درک کند که مسئله ازدواج کودکان عملاً نوعی بردگی یا خرید و فروش کودک است و محرومیت‌ها و خطرات جدی برای کودک ایجاد می‌کند.

علت افزایش این آسیب اجتماعی چیست؟

علت عمده آن فقر و عدم آموزش است. خانواده‌های مذهبی - سنتی که درگیر فقر شدید یا بحران‌های اجتماعی هستند، تن به ازدواج‌های زود هنگام فرزندشان می‌دهند تا شکمشان سیر شود و سر پناهی داشته باشند یا خود به نوایی برسند. در این میان مردان میان‌سالی هم هستند که به اسم سرپرستی کودکان، آنها را خریداری می‌کنند تا تمتع جنسی ببرند.

به لحاظ حقوقی کودک چه کسی است؟

تعریف سن کودکی در ایران درگیر اشکال است. پیمان نامه جهانی کودک، برای تعریف سن کودکی، مرز 18 سالگی را به رسمیت می‌شناسد اما علی‌رغم این که ما به پیمان‌نامه جهانی کودک پیوسته‌ایم، عملاً سن 18 سالگی را معتبر نمی‌دانیم چرا که تعریف کودک به

لحاظ قوانین شریعت با تعریف این پیمان نامه متفاوت است و ایران هم به طور مشروط به این پیمان نامه پیوسته، به ناچار مرز کودکی و بزرگسالی کماکان نامشخص است. مثلا برای انجام معاملات ملکی کودک باید ۸۱ سال تمام داشته باشد اما برای ازدواج، دختر ۳۱ ساله می‌تواند سند ازدواج با مهریه که بار مالی دارد را امضا نماید.

سن ازدواج در قوانین شرعی کجاست؟

حقوق اسلام برای دختر نه سال تمام قمری و برای پسر ۵۱ سال تمام قمری را سن بلوغ فرض کرده است و ازدواج در این سنین جایز است. طبق قوانین شرعی این کودکان می‌توانند ازدواج نمایند. در قوانین فعلی ایران، دختر ۳۱ ساله و پسر ۵۱ ساله می‌تواند ازدواج کند.

با توجه به اینکه اراده کودکان در این سنین رشد مناسب را ندارند به ناچار ازدواج این کودکان می‌تواند نوعی خرید و فروش و معامله در قالب قانونی، شرعی و رسمی با اراده والدین کودک باشد. به عبارتی ازدواج یکی از ابزارهای خرید و فروش کودکان و نوعی کلاه شرعی گذاشتن بر مقوله معامله کودکان است. خانواده‌هایی که شرایط مالی خوبی ندارند و مایل به فروش کودکان هستند، غالبا او را در قالب ازدواج معامله می‌کنند.

آیا مانع حقوقی برای این شکل از معامله کودکان وجود ندارد؟ قانون‌گذار در این مورد دغدغه‌ای نداشته؟

نه تنها مانع جدی حقوقی برای ممانعت از این نوع پدیده‌های شوم فراهم نیست اتفاقا حقوق ایران این پتانسیل را برای چنین سوءاستفاده‌ای فراهم کرده است. ماده ۱۲۱ قانون مدنی ایران سن مسئولیت را برای دختران نه سال و برای پسران 15 سال قرار داده است و ماده ۱۴۰۱ قانون مدنی در قسمت ازدواج هم، حداقل سن ازدواج را برای دختران 13 و برای پسران 15 سال مقرر کرده است. جالب است که قانون حمایت خانواده جدید هم این سن را تغییر نداده و بر این سن صحنه گذاشته است.

از وجه کیفی چطور؟ هیچ پیش بینی در این مورد وجود ندارد؟

از حیث کیفی هم گفته شده که اگر کسی با دختری زیر سن 13 سالگی ازدواج کرده و رابطه جنسی برقرار کند و آن دختر فوت کند، ضامن دیه است و اگر مجروح بشود ضامن پرداخت جراحت است و اگر بدون اجازه دادگاه ازدواج انجام شده باشد، ماده پنجاه قانون حمایت از خانواده برای مرتکب، حبس در نظر گرفته است. اما با ممنوعیت مطلق ازدواج در سنین خردسالی و جرم‌انگاری جدی آن روبرو نیستیم. این در حالیست که دولت ایران برابر تعهدات بین‌المللی ناشی از امضا پیمان نامه حقوق کودک و پروتکل‌های الحاقی آن متعهد به رعایت منافع عالی کودکان است در حالی که چنین قوانینی مغایر با هر نوع منفعتی برای کودکان است.

کودک نمی‌تواند مقاومت کند؟

اجازه ازدواج زیر سن 18 سال، در اختیار خود فرد نیست بلکه در اختیار والدین است و این امر به طور تلویحی یعنی فراهم کردن امکان قانونی خرید و فروش دختران.

قانون جدید حمایت از خانواده به نوعی در ماده ۵۴ بر مصلحت کودکان و منافع عالی کودک تاکید می‌کند.

درست است اما کمتر ضمانتی برای تامین همه منافع کودکان فراهم است. با این که گفته شده در هر صورت باید منافع عالی کودک در نظر گرفته شود، اما این خنده‌دار است که در عین حال هم اجازه ازدواج کودکان را صادر کنند و هم مدعی شوند که منافع کودکان در نظر گرفته شده. چون عملا کودک در این میان قربانی شده است. چون کودکی که در آن سن ازدواج می‌کند عملا آموزش را رها می‌کند، منافعتش و حتی جانش به مخاطره می‌افتد و حیثیت و شان انسانی‌اش پایمال می‌شود.

یعنی شما قوانین را در خصوص بهره‌کشی جنسی از کودکان ناکافی و ناکارآمد می‌دانید؟

بله. قوانین ایران از این نظر حمایت کافی از حقوق کودک نمی‌کند و اجازه می‌دهد که بستر خرید و فروش کودک در قالب ازدواج شرعی؛ هرزه‌نگاری و استثمار او در حوزه‌های کار فراهم شود.

در خصوص اختیارات والدین بگویید. اختیارات والدین از منظر حقوقی و جرم‌شناسی چه تاثیری بر افزایش یا کاهش این آسیب اجتماعی دارد؟

در جامعه دیکتاتوری، یکی از عواملی که منجر به بروز خشونت و حتی معامله کودکان می‌شود موضوع خودکامگی والدین و حقوق نامحدودی است که ساختار جامعه برای والدین در نظر گرفته است.

در چنین جامعه‌ای شاهد محافظه‌کار شدن و عدم توفیق حقوق در حمایت از کودک هستیم. متأسفانه بر اساس قوانین اسلامی و سایر

قوانین مدنی، اختیار بسیار ویژه‌ای برای والدین در کنترل و آموزش فرزندان در نظر گرفته شده که این نامحدودی اختیارات ناشی از فرهنگ هم هست، فرهنگی که به طور همه جانبه اختیار را به والدین و خصوصا پدر اعطا می‌کند تا هر طور که مایل بود با کودکش رفتار کند. اما خوشبختانه حقوق مدرن به سمت محدود کردن خودکامگی والدین می‌رود.

در این چنین جوامعی مداخله دولت‌ها دقیق و موثر نیست. اسلام و قرآن اختیار بسیار ویژه‌ای برای پدر قائل است و قیومیت را به پدر و جد پدری می‌دهد به حدی که حتی پدر اجازه دارد که کودک را بکشد و مشمول مجازات قصاص نشود. خودکامگی والدین و قدرت بیش از اندازه پدر و بعضا مادر، معضلی به نام قاچاق کودکان را افزایش می‌دهد، گر چه همان طور که اشاره کردم در حقوق مدرن امروزی در حقیقت قانون و جامعه به سمت مداخله جدی گام برمی‌دارند تا این قدرت را کاهش دهند.